

# تبیین الگوی سبک زندگی جهادی

## (مطالعه موردی: وصیت‌نامه شهید قاسم سلیمانی)

محمد قاسمی شوب\*

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر تبیین الگوی سبک زندگی جهادی با استفاده از مطالعه موردی وصیت‌نامه شهید قاسم سلیمانی به منظور الگوسازی رسانه‌ای ایشان است.

**روش:** این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد شهید سلیمانی در هر سه جنبه جهادی جهاد اکبر، جهاد اصغر و جهاد کبیر مصداق بارز انسانی وارسته است که در جنبه جهاد اکبر فردی است که هواهای نفسانی را با توجه به منش توحیدی خود دور ساخته و در عرصه جهاد اصغر سردار و فرمانده‌ای نامدار است که هدفی جز «فی سبیل الله» بودن نداشته است و تمام کردارش در راه رضای معبود بوده است در زمینه جهاد کبیر فردی هوشیار و بصیر است که هرگز اجازه نزدیک شدن دشمن به خود و نفوذ در او را نداد.

**نتیجه‌گیری:** سبک زندگی فرماندهی مجاهد، شهید قاسم سلیمانی، به عنوان الگویی همه جانبه جهت تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز، در گام دوم انقلاب اسلامی است. به

\* دکتری علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر و مدرس دانشگاه جامع امام حسین (ع)،

همین منظور وظیفه رسانه این است که با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد تنها در ایام سالگرد شهادت ایشان به جنبه‌های مختلف زندگی ایشان نپردازد؛ بلکه در طول سال به تناسب جنبه‌های مختلف زندگی ایشان را به‌عنوان الگو معرفی کند.

**کلیدواژه‌ها:** قاسم سلیمانی، سبک زندگی، مدیریت جهادی.

## مقدمه

جهاد، یکی از شریف‌ترین و سازنده‌ترین برنامه‌های اسلام، از آغاز تاکنون بوده است. جهاد در مفهوم کلی آن شامل هر نوع تلاش، عمل و رفتاری است که موجب پیشبرد اهداف مقدس دین اسلام گردد. جهاد در معنای عام خود عبارت است از: «بذل النفس و المال و الوسع فی اعلاء کلمه الاسلام و اقامه شعائر الایمان» (نجفی، ۱۳۶۲، ۲-۳)؛ یعنی تقدیم کردن جان و مال در راه سرافرازی اسلام و برپایی شعائر دینی. قابل تأمل آن‌که دامنه جهاد در این تعریف، آن‌قدر وسیع است که جنگ در راه خدا، جهاد با نفس، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن را شامل می‌شود. از همین منظر، برای جهاد در راه خدا اقسامی را برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد کبیر. این ابعاد مختلف جهاد، مبتنی است بر اقدامات دشمنان داخلی و خارجی در ضربه‌زدن به فرد و جامعه اسلامی. دشمنان از هر فرصتی اعم از جنگ سخت و جنگ نرم برای تهاجم و ضربه‌زدن به جامعه اسلامی بهره می‌برند. مواجهه با این هجمه‌های گوناگون ابزارهای مختلف دفاعی و تهاجمی را می‌طلبد که فرد و جامعه اسلامی را از آسیب‌های وارده از سوی دشمنان حفظ کرده و امکانات لازم را برای مقابله و مهار دشمنان فراهم سازد. از آن‌جا که گستره تهاجمات دشمنان ابعاد و شئون مختلف مادی و معنوی فرد و جامعه را هدف قرار می‌دهد، لازم است مجاهد واقعی فی سبیل الله آمادگی‌های همه‌جانبه رزمی، علمی، فرهنگی و رسانه را در خود ایجاد کند تا به‌درستی بتواند نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان را نقش بر آب نماید. از این‌رو بهره‌گیری از الگوهای حاضر در عصر کنونی که این آمادگی‌ها و امکانات را در خود مهیا کرده و تکالیف و مسئولیت‌های خود را به‌درستی انجام داده‌اند،

می‌تواند در این مسیر برای جامعه اسلامی در رسیدن به اهداف مقدس اسلام و دین راهگشا باشد.

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ترویج الگوهای جهادی در سطح جامعه رسانه‌ها هستند. آن‌ها می‌توانند الگوهای نوینی را به جوامع وارد کنند تا جایگزین فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و الگوهای سنتی شوند به همین خاطر رسانه‌ها از عوامل مهم تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها محسوب می‌گردند. برای این‌که بتوان الگو مناسبی را در رسانه ترویج داد باید در ابتدا آن الگو مورد شناسی و بررسی کامل قرار داد سپس از طریق رسانه به مردم ارائه گردد.

زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی از جمله الگوهای کامل جهادی است و به دلیل جنبه‌های مختلف آن در واقع در بردارنده یک مکتب است؛ لذا برای ارائه یک مکتب ابتدا لازم است که جنبه‌های مختلف آن شناخته شود و سپس از طریق رسانه ارائه شود؛ بر این اساس ضروری است سبک زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی در جنبه‌های مختلف آن ابتدا مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرد تا بتوان الگو و سرمشقی برای همه عدالت‌خواهان، حقیقت‌طلبان و مجاهدان راه خدا فراهم گردد. از این رو نوشتار حاضر ضمن پرداختن به مفهوم سه نوع جهاد، تجسم این سه نوع جهاد را در سبک زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. با توجه به روحیه جهادی قاسم سلیمانی این روحیه در جنبه‌های مختلف زندگی ایشان چگونه است؟

۲. نقش رسانه در الگوسازی به چه صورت است؟

امروزه به دلیل گسترش رسانه‌ها و دسترسی راحت به آن و تأثیرگذاری که این ابزارها بر روان انسان دارند فرهنگ‌ها، ارزش‌های اصیل جوامع دست‌خوش تغییر و تحول شده‌اند در واقع نوعی از خود بیگانگی در میان بشریت در حال شکل‌گیری است که تبعات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت برای جلوگیری از این مسئله لازم است که رسانه‌ها به معرفی الگوهای وطنی پردازند؛ همچنان که در کشور ما ایران زندگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نمونه‌ای از الگوی روز و کارآمد است که می‌تواند ملاک عملکرد برای مردم قرار

بگیرد؛ لذا در ابتدا لازم است جنبه‌های مختلف زندگی این بزرگواران مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا در نهایت بتوان از طریق رسانه به معرفی آن‌ها پرداخت.

## روش‌شناسی

این تحقیق به‌طور کلی درصدد است که با معرفی جنبه‌های جهادی (به‌معنای عام) زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی گوشه‌ای از مکتب ایشان به‌عنوان الگو معرفی کند در این راستا با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی وصیت‌نامه سردار شهید قاسم سلیمانی با رویکرد جهادی پرداخته خواهد شد.

## یافته‌ها

در ابتدا موضوعات «مدیریت جهادی» و «سبک زندگی» و «نقش رسانه در الگوسازی» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## مدیریت جهادی

مدیریت جهادی سبکی از مدیریت اسلامی است که ریشه در اعتقادات و مبانی دین دارد این سبک مدیریت با میراث عظیم برجای مانده از جهاد سازندگی و هشت سال دفاع مقدس سعی در تحقق اهداف انقلاب و موفق نشان دادن دین در عرصه اجتماعی دارد و در مواجهه با مسائل و مشکلات به شیوه جهادگونه عمل می‌کند که نتایج موفقیت‌آمیزی به همراه داشته است (حجازی فر، ۱۳۹۴؛ عبدی و طاهری هشی، ۱۳۹۴).

## سبک زندگی

سبک زندگی یکی از بخش‌های متنی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. بنابر نظر مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد؛ بخش ابزاری و بخش متنی که قسمت متنی بخش اساسی و حقیقی این تمدن است؛ و آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل

می‌دهد؛ که از آن با عنوان سبک زندگی یاد می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). در مفهوم سبک زندگی رویکردها نقش مهمی دارند؛ به‌طورکلی دو رویکرد نسبت به سبک زندگی وجود دارد؛ رویکرد جامعه‌شناسان؛ سبک زندگی را از جنس رفتار می‌دانند و رویکرد روانشناسان؛ ارزش‌ها و نگرش‌ها را بخش مهمی از سبک زندگی معرفی می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲، ۸۲). تلقی عموم جامعه‌شناسان از مفهوم سبک مثابه مقوله‌ای از جنس رفتار است. به همین دلیل، توجه محققان این علم، به جلوه بیرونی و نمودهای ظاهری و به‌تبع آن، بیشتر بر توصیف هنجارهای اجتماعی و منش اجتماعی افراد معطوف است. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ۷۴)

الف) رویکرد نگرشی: از منظر رهبر انقلاب ریشه سبک زندگی تابع تفسیر ما از زندگی است، به این صورت که هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به‌طورطبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌کند در واقع ایشان نگرش فرد یا همان جهان‌بینی فردی را در تعیین سبک زندگی مؤثر می‌دانند. همان‌طور که در ادبیات عرب سبک را به‌معنای ذوب و قالب‌پذیری طلا یا نقره (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰ و ۴۳۸)، برای خالص‌سازی آن گرفته‌اند (زمخسری، ۱۹۷۹، ۲۸۴). بخش نگرشی آن یعنی جهان‌بینی قسمت پایه و اساسی سبک زندگی است و رویکرد دوم یعنی بخش رفتاری آن تحت تأثیر رویکرد نخست قرار دارد و هر چقدر پایه‌های رویکرد نگرشی مستحکم گردد؛ رویکرد رفتاری نیز متناسب با آن تغییر خواهد کرد.

رسانه ابزار مهمی است در جهت تولید و نشر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و ارائه الگوهای عمل است؛ به‌ویژه آن‌که رسانه امروزه رسانه‌ها مرزها را درنوردیده و به‌دوردست‌ترین و دست‌نیافتنی‌ترین نقاط زمین رخنه کرده است.

صاحب‌نظرانی که درباره کارکردهای رسانه‌های مدرن به اظهارنظر پرداخته‌اند، کارکردهای متفاوتی برای رسانه‌ها بیان کرده‌اند. برخی از آن‌ها معتقدند که رسانه‌ها دارای چند کارکرد هستند:

۱. نقش خبری: کارکرد نظارت بر محیط؛

۲. نقش ارشادی یا راهنمایی: ایجاد همبستگی اجتماعی در واکنش به محیط؛

۳. نقش آموزشی: انتقال میراث فرهنگی؛

۴. نقش فراغتی: سرگرمی و پُرکردن اوقات فراغت. (مک کوئیل، ۱۳۸۲، ۸۳)

نقش ارشادی یا راهنمایی و نقش آموزشی رسانه در معرفی الگوها و نمادها در جامعه بسیار پُررنگ است؛ زیرا در این دو نقش رسانه با معرفی کردن الگوهای متناسب با فرهنگ جامعه و پرداختن به زوایای پنهان زندگی آن‌ها بر تغییرات بینشی و رفتاری، تغییرات ساختاری نیز ایجاد کند. در واقع وسایل ارتباط جمعی می‌توانند تأثیراتی بر ساخت‌های اجتماعی داشته باشند و با تحمیل ارزش‌های نوین، نظام قشربندی اجتماعی و سلسله مراتب اجتماعی را تغییر دهند (ساروخانی، ۱۳۶۸، ۲۴۹). به‌طورمسلّم حفظ ارزش‌ها و هنجارهایی که با فرهنگ اسلامی و ملی ایران متناسب است، بسیار مهم است و در این راستا باید رسانه این ارزش‌ها را حفظ کند؛ البته رفتار رسانه در مورد معرفی شخصیت‌ها به‌عنوان الگو نباید مقطعی باشد بلکه به‌منظور معرفی بهتر آن باید همیشگی و دائمی باشد و اختصاص دادن یک زمان خاص به معرفی آن نمی‌تواند شناخت و اثرگذاری کاملی را در مخاطب داشته باشد.

### سبک زندگی جهادی

در سبک زندگی مجاهدان فی سبیل الله، سه نوع جهاد دیده می‌شود؛ جهاد اکبر، جهاد اصغر و جهاد کبیر که این سه نوع مجاهدات هم از جنبه نگرشی و هم در عرصه رفتاری آن شکل‌دهنده یک سبک زندگی تمدن‌ساز است. مجاهدت‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در هر سه نوع از انواع جهاد نمایان است. وی بخش زیادی از عمر خود را در میدان نبرد عراق و ایران و پس از آن با اشراق در کرمان و نهایتاً مقابله با گروهک‌های تکفیری نظیر داعش در سوریه گذراند. وی یکه‌تازه جهاد اصغر بود. در عرصه جهاد اکبر نیز، سردار سلیمانی با هوای نفس، شیطان، خودخواهی، شهوت ریاست، شهوت ثروت، شهوت قدرت مبارزه کرد. در بعد جهاد کبیر نیز همواره در دوران حیات و پس از آن به شبهه‌زدایی و بصیرت‌افزایی نسبت به اهداف و نقشه‌های شوم دشمنان در میان جامعه می‌پرداخت. وی که مصداق آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح ۲۹)؛ (در برابر کفار خشن و در میان

خودشان رحیم و مهربانند) بود در برابر دشمن با ایستادگی تمام به مقابله پرداخته و نماد مجسم عدم اطاعت از دشمن کافر و ظالم بود: «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)؛ (بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی بنما). به همین دلیل در این بخش براساس وصیت نامه وی به تبیین این سه نوع جهاد در سبک زندگی این سردار شهید می پردازیم:

### جهاد اکبر

اول و مهم تر از همه «جهاد اکبر» است. اصولاً تا جهاد اکبر به معنای واقعی در انسان پیاده نشود در جهاد با دشمن پیروز نخواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹ و ۳۷۵). چنین فردی درصدد مقابله و جهاد با دشمن درونی برآمده و دشمن درونی را که «نفس و شیطان» باشد در هم کوبیده و مغلوب می سازد. «جهاد اکبر» همان مقاومت در برابر دشمن داخلی یعنی هوا و هوس های سرکش و مبارزه با صفات پست و انحرافات اخلاقی، مانند جهل، ترس، ظلم، تکبر، خودپسندی، حسد، بخل و مانند این هاست (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸، ۲۰۲). چنان که از پیامبر ﷺ روایت شده است: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷ و ۶۴)؛ (بزرگترین و خطرناک ترین دشمن تو همان هوس های نفسانی سرکش توست). در روایت دیگری از پیامبر نقل شده که ایشان لشکری را برای جنگی فرستادند و پس از بازگشت به آنان فرمود: «مَرَحَبًا بَقَوْمٍ قَصَّوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵ و ۱۲)؛ (آفرین بر گروهی که جهاد اصغر را انجام دادند، ولی وظیفه جهاد اکبر بر آنها باقی مانده، عرض کردند ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس). جهاد با نفس برترین نوع جهاد دانسته شده است به جهت آن که رسالت اسلام انسان سازی و تکمیل فضایل اخلاقی اوست: «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵ و ۱۶۳)؛ (برترین جهاد، جهاد با هوس های سرکشی است که در درون سینه آدمی است).

شکست در جهاد معمولی ممکن است موجب کسب افتخار «شهادت» گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۳). همان‌گونه که در جهاد اصغر غنیمت وجود دارد در جهاد اکبر نیز هم؛ و آن به دست گرفتن نفسی است که در دست دشمن است و آن دشمن هوی و شیطان است (قشیری، بی تا، ۱ و ۶۲۶). به همین دلیل امام علی علیه السلام جهادکننده با نفس را کمتر از مجاهد شهید نمی‌شمرد: «مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ: لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار)؛ (مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد اما خویشتن داری می‌کند، چنین شخصی نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا باشد).

درواقع جهاد اکبر دو جنبه دارد یکی محاربه و ستیز با لشکر شیطان و نفس و دیگری استمداد از لشکر رحمان و لشکر عقل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱ و ۱۳۴). سردار سلیمانی در هر دو جنبه سرافراز بودند در نبرد با شیطان و نفس اماره نیز همچون نبرد با دشمنان خارجی موفق و سربلند بود. ایشان در بخشی از وصیت‌نامه خود گوشه‌ای از این موضوع را روشن می‌کنند و بیان می‌کند «خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمت‌شان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به سویت آمدند، متصل کن» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

ایشان در جنبه دیگر جهاد اکبر همواره از خداوند استمداد می‌کنند و با تعبیر «دست خالی» به این موضوع اشاره دارند «خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت توست. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برائت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوندا! پاهایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امیدی به



من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم...» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

ایشان همواره به تعمیق اندیشه‌ها و اعتقادات و باورهای اعتقادی، اخلاقی و تربیتی خویش می‌پرداخت. ایشان پیش از آن‌که رهبری سپاه اسلام در جبهه‌های نبرد را به دست بگیرد، رهبری نفس خویش را به دست گرفته و خود را از قید و بندهای علایق و وابستگی‌های مادی‌رهایی بخشیده بود. تواضع در رفتار، تابع ولایت بودن، خوش‌خلقی، خوش‌رفتاری و اخلاص و بندگی وی بخشی از خصلت‌های معنوی جلوه یافته در ایشان است. به همین دلیل است که ایشان به الگویی نه تنها در بعد نظامی که در بعد اخلاقی، اعتقادی و تربیتی برای جوانان انقلابی سراسر جهان مبدل گشت. عشق و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی آن شهید والا مقام، موج می‌زد چنان‌که در وصیت خویش همین محبت را تنها امید به خوشبختی خود در آخرت بر می‌شمرد: «همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی). «خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستان می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابی طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌های است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بی‌قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت داد» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

ملاک وی در انجام اعمال و رفتار و عبادات رضایت و خشنودی خداوند بود: «من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیائت در بین الحرمین حسین و عباس آن‌ها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آن‌ها را

بینشی» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی). چنان‌که پیداست در نجوای عاشقانه خویش، راه رفتن، خندیدن و خندان خود را هم دفاع از دین و رضایت خدا عنوان می‌کند.

## جهاد اصغر

نوع دیگر جهاد، جهاد اصغر است که جهاد با دشمنان بیرونی است. دشمنان ظالم و ستمگر که امنیت جامعه اسلامی را به خطر انداخته و مانع تحقق اهداف و مقاصد الهی هستند. امام علی علیه السلام در خطبه جهاد در مورد اهمیت و آثار جهاد به تفصیل سخن گفته و جهاد را دری از درهای بهشت برشمرده است: «أما بعد، فإنَّ الجهاد باب من أبواب الجنة فتحه الله لخاصة أوليائه» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)؛ (اما بعد (از حمد و ثنای الهی)، جهاد دری از درهای بهشت است، خداوند، آن در را به روی دوستان خاص خود گشوده است). چنان‌که از این بیان امام علیه السلام به دست می‌آید، خداوند جهاد را نصیب و بهره بهترین و برگزیده‌ترین اولیای خود می‌کند. گرچه ممکن است در ظاهر افراد زیادی در مسیر جهاد و جنگ ظاهری قدم بردارند اما مجاهدین واقعی قصد و نیتی جز خدا و پیشبرد اهداف الهی ندارند. به همین دلیل می‌توان گفت جهاد اکبر تنها شامل مبارزه مسلحانه و نظامی نمی‌شود بلکه هر نوع تلاش و کوششی را که برای پیشبرد اهداف مقدس الهی انجام گیرد، شامل می‌شود و به این ترتیب علاوه بر نبردهای دفاعی و گاهی تهاجمی، مبارزات علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴ و ۸۲).

در مورد ارزش و جایگاه جهاد سخن فراوان است ولی آنچه که به آن اجر و ثواب می‌دهد همان «فی سبیل الله» بودن است که قرآن در این مورد می‌گوید از نظر قرآن کسانی که در قتال در راه خدا شرکت می‌کنند در هر صورت چه کشته شوند و چه پیروز گردند دارای اجر و پاداش هستند؛ اما از نظر قرآن پاداش معنوی شرکت در جهاد در صورتی که منجر به کشته شدن شود بالاتر از پاداشی است که حاصلش پیروزی و غلبه بر دشمن باشد.

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء / ۷۴)

«پس آنان که زندگی دنیا را داده‌اند و آخرت را خریده‌اند باید که در راه خدا بجنگند؛ و هر که در راه خدا بجنگد، چه کشته شود چه پیروز گردد، مزدی بزرگ به او خواهیم داد».

سردار سلیمانی در سراسر عمر جهادی خویش در میدان مبارزه با دشمنان دین، استکبار و رژیم غاصب صهیونیستی در خط مقدم بود. او در میدان‌های نبرد ثابت قدم بود و با شجاعت مثال‌زدنی خویش همچون کوهی استوار در برابر دشمنان استقامت و پای‌مردی می‌کرد. او عاری از هرگونه ترسی در مواجهه با دشمن در معرکه‌ها و میدان‌ها نبرد بود. او این جملات امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام را با همه وجود دنبال می‌نمود دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور. که فرمود: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ عِضُّ عَلِيٍّ نَاجِذِك. اَعْرَأَ اللَّهُ جَمْعَتَكَ. تَدْفِي الْأَرْضُ قَدَمَكَ» (نهج‌البلاغه، خطبه یازدهم)؛ (اگر کوه‌ها متزلزل شود تو تکان نخور! دندان‌هایت را به هم بفشار و جمجمه خویش را به خدا عاریت ده! قدم‌هایت را بر زمین میخ‌کوب کن). همانا که سردار سلیمانی‌ای چنین بود و دیگران را هم در وصیت‌نامه خود به چنین ویژگی‌هایی ستوده است: «خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

چنان‌که از این بخش از وصیت‌نامه شهید نمودار است، ایشان در دفاع از اسلام، انقلاب و ولایت بی‌قرار بود و آماده هرگونه جان‌فشانی و بذل جان بود. سردار حاج قاسم سلیمانی همواره در سخنرانی‌های خود از شهادت و آرزوی شهادت می‌گفت و در اظهارنظری بیان کرده بود: «در کوه‌ها و بیابان‌ها در جستجوی شهادت هستم». این بیانات در وصیت‌نامه وی نیز تجسم یافته است: «عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران»، «... ای عزیز! من سال‌ها است از کاروانی به‌جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به‌سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آن‌ها را از یاد ببرم.

پیوسته یاد آن‌ها، نام آن‌ها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند»، «... عزیزم! من از بی جاقراری و رسوای ماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امید از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به گرم دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوستت دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

از نظر سردار شهید شهادت اجر والای دارد تا آن‌جا که در وصیت‌نامه خویش از فرزندان شهدا خواسته تا پیکر ایشان را بلند کنند تا به دست فرزندان شهید تبرک شود، در نهایت این‌که یکی از نکات بارز وصیت‌نامه سردار سلیمانی این است که با وجود مجاهدت فراوان در میدان نبرد هیچ‌گاه خود را طلبکار نشان داده است و همین امر رنگ فی سبیل الله بودن آن را روشن‌تر می‌کند. (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

## جهاد کبیر

نوع سوم جهاد، جهاد کبیر نام دارد. اصطلاح (جهاد کبیر) تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته است: «فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ جٰهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان / ۵۲)؛ (بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد بزرگی بنما). چنان‌که از آیه به دست می‌آید جهاد کبیر به معنای عدم تبعیت و اطاعت از کفار است. دشمن همواره درصدد نفوذ در میان مبانی فکری جامعه و تحمیل افکار، عقاید و اهداف خود در جامعه و تهاجم فکری و فرهنگی به مسلمانان است. قرآن در این آیه ضمن هشدار به تهاجم فرهنگی و نفوذ دشمن، مقابله علمی، فکری و فرهنگی را با بهره‌گیری از قرآن و عدم اطاعت از دشمن توصیه می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت، جهاد کبیر از نوع جهاد علمی و فکری و فرهنگی است و جامعه اسلامی برای پیروزی در این جبهه نیازمند ابزارهایی است که توانایی مقابله با تهاجم فکری، فرهنگی دشمن را داشته باشد. در واقع هدف در جهاد کبیر تقویت مبانی فکری و اعتقادی جبهه توحید است. از این آیه بر می‌آید که بهترین و بزرگ‌ترین جهاد در پیشگاه خدا، جهاد کسانی است که شبهه‌های دشمنان دین را باطل می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷ و ۲۷۳).

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره مبارکه فرقان است: «بِه» یعنی به قرآن، «جَاهِدْهُمْ بِه» یعنی به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آن‌ها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است].] فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای). در تقسیم‌بندی جنگ‌ها به جنگ نرم و جنگ سخت، جهاد اصغر راه مقابله با دشمن در جنگ سخت خواهد بود و جهاد کبیر راه مقابله با دشمن در کارزار جنگ نرم و تهاجم فرهنگی خواهد بود.

همان‌طور که پیش از این گذشت، جهاد تنها به معنای قتال و جنگ نظامی نیست؛ بلکه جهاد معنای بسیار وسیع‌تری دارد که یکی از انواع آن جهاد کبیر است که در واقع میدان مبارزه با دشمن در جنگ نرم به شمار می‌آید. سردار سلیمانی در بعد جهاد کبیر و مقابله با حملات فکری و فرهنگی نیز پیش‌رو و پیش‌قدم بود. بخشی از بصیرت‌افزایی‌های وی در وصیت‌نامه ایشان در این بخش می‌آید:

بصیرت‌افزایی و روشنگری در دفاع از اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی: «امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر مانند،

دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ﷺ) (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

دعوت به ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری از دیگر راهبردهای ایشان برای خنثی کردن توطئه دشمنان است: «برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیاء کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت‌فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به‌دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. واللہ واللہ واللہ این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی). چنان‌که در فرازی دیگر از وصیت‌نامه خویش می‌فرماید: «از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی‌فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

به‌طورکلی راهبرد عملی ایشان که در سراسر وصیت‌نامه وی بازتاب یافته است برای مقابله با جنگ فرهنگی و اعتقادی و فکری دشمنان، در دو اصل خلاصه می‌شود: اول اطاعت از ولایت‌فقیه که اطلاعات از ولایت اهل بیت و اطاعت از خدا خواهد بود. دوم حفظ وحدت و اتحاد بین تمام اقشار ملت و مسئولان حول محور ولی‌فقیه: «جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد، دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آن‌ها و فشار آن‌ها، شما را دچار تفرقه نکند». در فرازی دیگر خطاب به مسئولین می‌نویسد: «چه آن‌هایی [که] اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آن‌هایی که اصول‌گرا. آنچه

پیوسته در رنج بودم این که عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصّل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است: اول آن‌ها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد» (وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی).

## نتیجه‌گیری

سبک زندگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی هم در جنبه نگرشی آن و هم از جنبه رفتاری آن برگرفته از بینش ناب توحیدی ایشان است به همین دلیل می‌تواند به‌عنوان یک فکر و اندیشه در بدنه نهادهای انقلابی و نظامی به‌عنوان خلق‌کننده امید، بصیرت و روحیه شهادت‌طلبی و ولایت‌مداری مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد و الگو و سرمشق حقیقت‌طلبان و عدالت‌خواهان امت اسلامی در سراسر جهان قرار گیرد. دقت در سبک زندگی و وصیت‌نامه ایشان نشان می‌دهد که در هر سه جنبه جهادی مصداق بارز انسانی وارسته است که در جنبه جهاد اکبر فردی است که هواهای نفسانی را با توجه به منش توحیدی خود دور ساخته و در عرصه جهاد اصغر سردار و فرمانده‌ای نامدار است که هدفی جز «فی سبیل الله» بودن نداشته است و تمام کردارش در راه رضای معبود بوده است در زمینه جهاد کبیر فردی هوشیار و بصیر است که هر گز اجازه نزدیک شدن دشمن به خود و نفوذ در او را نداد. بر این اساس سبک زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی که به‌عنوان نماد انقلاب اسلامی در سراسر جهان شناخته می‌شود، می‌تواند الگو و سرمشق همه عدالت‌خواهان، حقیقت‌طلبان و مجاهدان راه خدا

باشد. به عبارت دیگر سبک زندگی فرمانده مجاهد، شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی، به عنوان الگویی همه‌جانبه جهت تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز، در گام دوم انقلاب اسلامی است. به همین منظور وظیفه رسانه این است که با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد تنها در ایام سالگرد شهادت ایشان به جنبه‌های مختلف زندگی ایشان نپردازد؛ بلکه در طول سال به تناسب جنبه‌های مختلف زندگی ایشان را به عنوان الگو معرفی کند.

## منابع

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۲. حجازی، سعید (۱۳۹۴). مؤلفه‌های مدیریت جهادی. مدیریت اسلامی، ۲۳(۳)، ۹۵-۱۲۲.
۳. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱، ۲۳ مهر). دیدار جوانان خراسان شمالی با رهبر انقلاب. دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=21240> از وبسایت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰
۵. زمخشری، محمودبن عمر (۱۹۴۹ م). أساس البلاغة. بیروت: دار صادر
۶. ساروخانی، باقر (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات
۷. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۸. عبدی، بهنام؛ طاهری هشی، علی (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی مدیریت جهادی در پرتو قرآن کریم. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. ۵(۲)، ۱۱۹-۱۳۸.
۹. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.
۱۰. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. قشیری، عبدالکریم (بی‌تا). لطایف الاشارات. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۱۲. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۸۸). أصل الشیعة وأصولها. تحقیق و ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: امام علی علیه السلام.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۴. متن وصیت‌نامه شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۶. مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی. ترجمه: پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامی.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). زندگی در پرتو اخلاق. قم: سرور.
۲۰. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. دوم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: هجرت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی